WWW.INN.IR

ایران ورزشی

۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و چهارم ■ دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ ■ Feb 8 - 2021 ■ ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۴۲ ■ شماره ۶۶۹۵

سهام سرخابی ها واگذار شود
قابل برگشت نیست

علی نژاد: شش میلیون دلار در فیفا پول داریم

صفحه ۲

بررسی یک تئوری علیه فوتبالیست بازیگر

دومین بی انصافی در حق پژمان جمشیدی

صفحه ۱

اگر ادامه دیدارهای انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ به صورت مجتمع در یک کشور برگزار شود

خطر بالقوه برای «یوزها»

صفحه ۲

هفته سیزدهم لیگ یک

شکست سنگین هوادار در روز خوب میزبان ها

صفحه ۳

جلسه مجازی آلکنو با مربیان لیگ برتری

آغاز تعاملی سرمربی روس

صفحه ۴

آغاز عجیب ترین اوپن استرالیا از امروز

از قرنطینه به سوی زمین تنیس

صفحه ۵

نگاهی به آنچه درباره کاپیتان استقلال بحث برانگیز است

درباره وریای فوتبالیست بحث کنید

سرمقاله

فرشاد کاس نژاد @Farshadcasnejad

آنچه درباره وریا غفوری و افزایش یکباره و چشمگیر رقم تمدید قراردادش مورد بحث قرار گرفته، این روزها یکسره و از دو سوی این جدل های رسانه ای دچار اثر پذیرفتن و با برداشت هایی از شناخته شدگی وجه عمومی شخصیت او در جامعه ایران است. چه آنها که به مبلغ قرارداد وریا غفوری خرده می گیرند و می گویند چرا رقم قرارداد افزایش چندبرابری داشته و چه آنها که از مبلغ قرارداد او دفاع می کنند و آن افزایش چندبرابری را بدیهی می دانند، اغلب مخالفان و موافقان وجه غیرفنی وریا غفوری در جامعه هستند. درباره رقم تمدید قرارداد وریا غفوری با باشگاه استقلال اما باید فارغ از دوست داشتن یا دوست نداشتن کنش گری او - به عنوان یک شهروند شناخته شده - حرف زد. وریا غفوری شاید برای عده ای جذاب باشد که چهره منتقدی دارد یا برای عده ای جذاب نباشد و با موضع گیری هایش تضاد منافع داشته باشند و البته کسانی هم هستند که وقعی به این کارکردهای سلبریتی ها نمی گذارند، نه از موضع گیری ها به وجد می آیند و نه در تضاد با بدیهیات گفته شده از زبان آنها هستند اما وقتی بحث بر سر فوتبال و یک قرارداد حرفه ای است، نه علاقه به وریا و نه تضاد بانگاه وریا به موضوعات جامعه ایران و نه سلبریتی دانستن و اداواطوار خواندن فرضی واکنش های او، هیچ کدام نباید اثری بر بررسی موضوع قرارداد یک بازیکن داشته باشد. اگرچه حتی وجوه غیرفنی شخصیت یک بازیکن گاهی می تواند در قیمت او در بازار نقل و انتقالات فوتبال تأثیرگذار باشد اما فارغ از ظرافت های این جنس اثرگذاری، بازیکن باید براساس مهارت ها و شخصیت ورزشی اش قیمت پیدا کند. وریا غفوری با کیفیتی که در لیگ ایران دارد، بی تردید می تواند یکی از گرانقیمت ترین بازیکنان باشد. او هنوز می درخشد، هنوز می تواند گزینه ای مهم و مؤثر برای تیم ملی باشد و دعوت نشدنش توسط اسکوچیچ زیر سؤال است، همانطور که خط زدنش از فهرست تیم ملی در آستانه جام جهانی توسط کارلوس کی روش، تعجب برانگیز بود. وریا برای استقلال بیشتر از یک بازیکن باکیفیت است و به بخشی از هویت تیمی استقلال تبدیل شده و نقش او به عنوان کاپیتان برای تیم غیرقابل انکار است. او فارغ از انتقاداتش به مسائل عمومی و مورد توجه و بحث در جامعه، در کار فوتبال نیز بازیکنی است که بارها انتقاداتش از مدیریت باشگاه بیراه نبوده و اگر چه انتقاد یک بازیکن از باشگاه کاری خارج از عرف حرفه ای است اما مگر ممکن است شما در فوتبال ایران و با این شیوه باشگاه داری به سوته نیایید؟ وریا با نهیب زدن به مدیریت باشگاه شاید چیزی را به نفع باشگاه تغییر نداده اما حرف بسیاری از تماشاگران را به زبان آورده است و این خود چه بسا قدمی برای نقد اغلاط پرشمار مدیریت در باشگاه داری است، کاری که در استقلال آندره آاسترا ماچونی و فرهاد مجیدی هم کردند و رفتند. کژی ها را گفتند و راهی برای ادامه نیافتند. باشگاه استقلال در دوره احمد سعادتمند آسیب های پرشماری را تجربه کرد و یکی از آنها قراردادهایی بود که فکر نشده و بدون آینده نگری امضا می شد. همان چیزی که در هر باشگاه دیگری نیز رواج دارد و تجربه می گوید در استقلال نیز در آینده تکرار خواهد شد. وریا غفوری امضاکننده یکی از آن دست قراردادهاست، نه تنها امضاکننده یک قرارداد که پرداختش خارج از قدرت اقتصادی باشگاه به نظر می رسد.

بوی پول به شهرخودرو رسید

۸ میلیارد ندهید به AFC شکایت می کنیم

یحیی بی خیال شهرخودرو نمی شود

علی نعمتی گزینه جدید پرسپولیس

سمیعی: جذب ترابی اولین و آخرین اقدام باشگاه نیست

قرض روی قرض، تنها راه فرار از بحران پرسپولیس

این همه تعهد را چه کسی باید پرداخت کند؟

صفحه ۷

سید جلال حسینی: هنوز نتوانستم مرگ میناوند و انصاریان را باور کنم

سن فقط یک عدد است

عکس: نعیم احمدی / ایران ورزشی

فتح الله زاده: وریا بازیکن با معرفتی است باید برگردد

مددی: از وریا شکایت نکردیم

برهانی: مشکل وریا درون خانواده استقلال حل می شود

صفحه ۶

رازمحبوبیت کاپیتان های سرخابی

نگاه

رسول مجیدی @Rasoulmajidi

کاپیتان های استقلال و پرسپولیس این هفته در کانون توجهات بودند. آنها ستاره های یکی دو فصل اخیر تیم شان هستند و البته بین هواداران پرشمار تیم شان محبوب.

سیدجلال حسینی که همین چند روز پیش تولدش بود و به دلیل فوت علی انصاریان و مهرداد میناوند نتوانست این روز را جشن بگیرد، حالا بیش از ۳۹ سال سن دارد. به قول گزارشگران قدیمی، کوله باری است از تجربه و تبدیل شده به دلگرمی پرسپولیسی ها در عقب زمین.

پرسپولیس در ۴ سال اخیر ۴ قهرمانی پی دربی به دست آورده و بخش زیادی از این موفقیت را مرهون خط دفاعی خوبش است که هدایت آن در درون زمین با سیدجلال بوده. شاید اگر او در فصل ابتدایی حضور برانکو در ایران هم به پرسپولیس بازگشته بود، آنها همان سال اول هم اجازه نمی دادند تا استقلال خوزستان قهرمان شود و حالا ۵ قهرمانی پشت سر هم داشتند.

سیدجلال این فصل و با توجه به رفتن شجاع خلیل زاده و مصدومیت انصاری وظیفه سنگین تری هم برعهده دارد که تا اینجا به خوبی از پسش برآمده. پرسپولیس در حال حاضر با ۸ گل خورده بهترین خط دفاعی لیگ را دارد.

سیدجلال این هفته در تبریز یک گل سه امتیازی مهم زد. این اولین باری بود که او در یک فصل ۲ بار گلزنی می کرد. جلال حسینی برخلاف مدافعان سال های نه چندان دور پرسپولیس، در امر گلزنی خیلی آمار خوبی ندارد. او تا به حال ۶ بار برای پرسپولیس در لیگ گل زده. در حالی که سپهر حیدری با ۱۱ گل و مرحوم علی انصاریان با ۲۰ گل در رتبه های اول و دوم مدافعین گلزن تاریخ پرسپولیس در لیگ هستند.

حسینی حالا در سن ۳۹ سالگی انگار عطش بیشتری برای کمک به تیمش در فاز هجومی دارد و همین محبوبیت او را در بین هواداران بیشتر هم کرده.

در سوی دیگر وریا غفوری که در سال های اخیر نشان داده بیرون از زمین هم حرف های زیادی برای گفتن دارد، این هفته دوباره سرتیتر خبرها بود. ابتدا در بازی جمعه شب استقلال برابر نساجی به نشانه اعتراض به تعویضش حاضر نشد روی نیمکت تیم بنشیند و سریع زمین را ترک کرد و بعد مشخص شد باشگاه استقلال از کابیتانش به دلیل بالا بردن دستمزدش در ابتدای فصل به کمیته اخلاق شکایت کرده است! اتفاقی که احتمالاً فقط در فوتبال ایران شاهدش خواهیم بود.

ماجرا را لابد می دانید. بر اساس اسنادی که خبرگزاری فارس منتشر کرده، وریا غفوری در زمان مدیریت سعادتمند قرارداد قبلی خود را فسخ کرده و قرارداد جدیدی به ارزش ۱۴ میلیارد تومان برای ۲ سال بسته است. این ماجرا شاید برای هرکدام از بازیکنان استقلال رخ داده بود، با موضع گیری منفی هواداران استقلال روبه رو می شد اما مرور توییت ها و استوری های روزگذشته در فضای مجازی نشان می داد که غفوری توانسته با شخصیتی که از خود در ۲ سال گذشته نشان داده، تبدیل به مرد محبوب آبی دلان شود و حتی این ماجرا هم نتوانسته او را از چشم استقلالی ها بیندازد. غفوری در حال حاضر تبدیل به شمایل استقلال شده.

حسینی و تارتار اصلی ترین گزینه های ذوب آهن

رحمان رضایی بالاخره برکنار شد

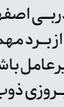

گزارش

سمیرا شیرمردی @SamiraShirmard

برکناری رحمان رضایی از سرمربیگری ذوب آهن اتفاقی بود که پیش از این انتظارش می رفت. رحمان رضایی در شرایطی به عنوان سرمربی ذوب آهن اصفهان انتخاب شد که هیچ سابقه سرمربیگری در لیگ برتر نداشت و در لیگ های دسته پایین تر هم به تعداد انگشتان یک دست، سرمربیگری نکرده بود. همین سابقه هم باعث شد خیلی ها نسبت به این انتخاب اعتراض کنند. ذوب آهن با سرمربیگری رضایی، بازی های خوبی انجام می داد اما نتایج اصلاً خوب نبود. در ابتدا بحث اشتباهات داوری مطرح شد که البته به حق بود. این اشتباهات امتیازات مهمی از ذوبی ها گرفت اما بعد از آن دیگر خبری از اشتباهات داوری نبود یا اگر هم بود به ندرت پیش می آمد و به ضرر سبزپوشان اصفهانی رقم می خورد. از آن به بعد بود که باشگاه ذوب آهن رسماً به رحمان رضایی اولتیماتوم داد و اعلام کرد از ۵ بازی باقی مانده تا نیم فصل اول حداقل باید ۱۱ امتیاز کسب کنند. کسب ۱۱ امتیاز از ۱۵ امتیاز باقی مانده سخت بود اما رضایی می دانست اگر غیر از این پیش بیاید، شرایط ذوب آهن سخت می شود و باز هم اتفاقات تلخ و فانوس به دست بودن، برایش تکرار خواهد شد. ذوب آهن بعد از این اولتیماتوم مقابل ساپا شکست خورد و ۳ امتیاز مهم را از دست داد. با این شکست یعنی در ۴ بازی باقی مانده باید حتماً پیروز می شد. بازی بعد هم برگزار شد و ذوب این بار مقابل نفت مسجد سلیمان به تساوی رضایت داد و ۲ امتیاز مهم دیگر از دست رفت. بعد از این بازی، تصور می شد رحمان رضایی برکنار می شود اما به دلیل اینکه اشتباه داوری باعث شد گل درست ذوب آهن مردود اعلام شود، هیأت مدیره باشگاه اصفهانی ترجیح داد باز هم به این سرمربی جوان فرصت بدهد. به این ترتیب، ذوب آهن با روحیه و انگیزه بالا راهی قائمشهر شد تا مقابل نساجی به پیروزی برسد. شاگردان رحمان رضایی بعد از هفته ها، بالاخره موفق شدند اولین پیروزی خود در فصل بیستم را کسب کنند. برد مهمی که حالا می توانست خیال رحمان را برای بازی های بعدی راحت کند. البته این پیروزی در زمانی رخ داد که نساجی به تازگی دچار تغییر و تحول در کادر فنی اش شده بود و مجید جلالی هنوز شناخت چندانی از بازیکنانش نداشت. با این وجود، ذوبی ها روحیه گرفتند و در تلاش بودند تا در دربی اصفهان هم به پیروزی برسند. هنوز یکی، ۲ روز هم از برد مهم ذوب آهن مقابل نساجی نگذشته بود که مدیرعامل باشگاه اصفهانی تغییر کرد. جواد محمدی که از پیروزی ذوب آهن خیلی خوشحال بود بعد از مدت ها دوری بالاخره جواب تماس رسانه ها را داد و تقریباً با همه خبرگزاری ها درباره این برد مصاحبه کرد. بعد از این مصاحبه ها، خبر رسید محمدی از مدیرعاملی باشگاه ذوب آهن کنار گذاشته شد و جای او را مجتبی فریدونی گرفت. با این تغییرات، ذوب آهن آماده دربی اصفهان شد. با وجود اینکه ذوبی ها انگیزه زیادی برای کسب پیروزی داشتند اما هیچ شباهتی به تیمی که به دنبال برد است، نداشتند. آنها حملات خوبی تدارک می دیدند اما در مقابل در خط دفاع ضعیف و شکننده بودند. همین مسأله هم باعث شد سپاهان ۳ گل بزند و این بار هم ذوب آهن بازنده باشد. با این شکست، کاملاً مشخص بود کار برای رحمان رضایی تمام شده است. در نهایت دیروز وقتی جلسه هیأت مدیره باشگاه ذوب آهن برگزار شد، این اتفاق رخ داد و رحمان رضایی رسماً از هدایت سبزپوشان اصفهانی کنار گذاشته شد. حالا که رضایی کنار رفته، بحث سرمربی جدید ذوبی ها به سوژه داغی تبدیل شده. قبلاً گفته می شد مسئولان باشگاه ذوب آهن با فرهاد مجیدی، وحید فاضلی و چند گزینه دیگر مذاکره کردند و حتی روی سرمربی شدن مهدی رجب زاده نظر دارند اما این گزینه ها به زمان مدیرعاملی جواد محمدی برمی گردد و بدون شک با آمدن فریدونی، نظرات تغییر خواهد کرد. با توجه به این اتفاق، حالا گفته می شود حسین فرکی یکی از اصلی ترین گزینه های سرمربیگری ذوب آهن است اما ظاهراً گزینه های اصلی مهدی تارتار و مجتبی حسینی هستند. حسینی اخیراً چند بار به شرایط نفت مسجد سلیمان معترض شده و اعلام کرده در صورتی که مشکلات مالی ادامه داشته باشد جدا می شود. تارتار هم به نظر می رسد به دلایلی به دنبال جدایی است. البته در بین این گزینه ها ظاهراً شانس حسینی بیشتر است که باید دید در نهایت چه کسی جایگزین رحمان رضایی می شود.

بررسی یک تئوری علیه فوتبالیست بازیگر

پژمان جمشیدی، فوتبالیست و بازیگر ناموفقی است؟

سوژه
سپهر خرمی

شنبه شب همین هفته پژمان جمشیدی به طور ناخواسته ای تبدیل شد به حاشیه اصلی جشنواره فجر. نشست خبری که قرار بود بازیگران فیلم سینمایی «خط فرضی» پاسخگوی سؤالات خبرنگاران باشند به یکباره حاشیه جای متن را گرفت.

ماجرا از این قرار بود که خبرنگاری مقابل پژمان جمشیدی ایستاد و سؤالش را اینگونه مطرح کرد: «آقای پژمان جمشیدی! شما که در این فوتبال به جایی نرسیدید، بهترنبودن برای دیده شدن راهی جز بازی در فیلم های سینمایی و تلویزیونی را انتخاب می کردید؟ راه های بهتری نبود؟» پیش از اینکه پاسخ پژمان جمشیدی نسبت به این ابهام چیست بهتر است سابقه فوتبالی و سینمایی بازیگر فعلی و فوتبالیست سابق را یک بار مرور کنیم:

حضور در خشان باشگاهی و کم فروغ ملی

پژمان جمشیدی راهی هواداران فوتبال با پیراهن سایپا، پرسپولیس و باز هم سایپا را دارند. او با درخشش در تیم سایپا که اتفاقاً اواخر دهه هفتاد یکی از تیم های قدرتمند لیگ آزادگان بود چهره شد. به گفته خودش سریع ترین گل تاریخ لیگ ایران را به عنوان یک بازیکن تعویضی با پیراهن سایپا وارد دروازه استقلال کرده. پژمان در سایپا آنقدر عملکرد خوبی داشت که چشمان علی پروین او را گرفت و راهی پرسپولیس شد. سال ۷۹ او برای اولین بار پیراهن پرسپولیس را پوشید و در سال ۸۰ نیز توانست اولین قهرمانی دراماتیک لیگ برتر را با سرخ ها جشن بگیرد؛ همان قهرمانی معروف که با پیروزی مقابل فجر شهید سپاسی در ورزشگاه آزادی در کنار شکست غیرمنتظره استقلال مقابل ملوان در انزلی رقم خورد. پژمان ۵ فصل با ثبات را در پرسپولیس پشت سر گذاشت و با وجود اینکه به اولقب «علی پروینی» داده بودند اما در تیم وینکوبگوویچ هم ماند تا در نهایت ۵ سال پیراهن تیم محبوبش را برتن کند ولی به خاطر خدمت سربازی در سال ۸۴ راهی تیم پاس شد: «به خاطر سربازی از پرسپولیس جدا شدم چون بیشتر از ۸ سال نمی توانستم در سم راکش دهم. یادم می آید که فوتبال حرفه ای ترشده بود و اولین دفعه ای بود که من می خواستم یک پول خوب از پرسپولیس بگیرم، قرارداد داخلی هم امضا کرده بودم. مبلغ قرارداد هم ۵۰ میلیون بود آن زمان این مبلغ کم نبود ولی در مقایسه با درآمد فوتبالیست های الان قابل قیاس نیست. از آنجا به پاس رفتم. دنیزلی مربی ما بود و در جام باشگاه های آسیا حضور داشتیم. از لحاظ فوتبالی هم سال خوبی داشتیم و قهرمان لیگ شدیم. بعد از آن من در پاس افت کردم و از آنجا هم به استیل آذین رفتم.» پژمان بعد از دوران موفق در پاس تهران به استیل آذین رفت و بعد با پیشنهاد مجید جلالی راهی فولاد خوزستان شد. آخرین تصمیم او اما منجر شد به اشتباه ترین تصمیم پژمان و او خیلی زود و در سال ۱۳۸۸ برای همیشه از فوتبال خداحافظی کرد. خودش می گوید همیشه دوست داشته برای تیم های اصیل و ریشه دار بازی کند به همین خاطر پیشنهاد ابومسلم را پذیرفت اما انتخاب پرویز مظلومی به عنوان سرمربی باعث شد تا پژمان جمشیدی که حضوری ثابت در این تیم داشت به یکباره از لیست ۱۸ نفره هم خط بخورد تا فقط در پارک به تمرین بپردازد! او با انتشار یک نامه احساسی و البته گلایه آمیز از ابومسلم و فوتبال برای همیشه خداحافظی کرد تا کارنامه فوتبالی او خلاصه شود به حضور موفق ۵ ساله در پرسپولیس، درخشش در پاس و حضور در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا با مصطفی دنیزلی و همینطور حضور کوتاه در فولاد خوزستان، استیل آذین و ابومسلم.

او همچنین یکی از بازیکنان مورد علاقه میروسلاو بلاژویچ بود و پیرمرد کروات اعتقاد زیادی به این بازیکن در روزهای پایانی مربیگری اش در تیم ملی ایران داشت. هرچند پژمان فقط یک گل ملی در کارنامه دارد اما کمتر کسی است که نداند پژمان در ایامی که خداداد عزیزی و علیرضا منصوریان توسط بلاژخط خوردند او به عنوان یکی از جوان های با استعداد آن دوره توانست نظر پیرمرد کروات و منضبط را جلب کند.

بیش از ۲۵ فیلم سینمایی، تلویزیونی و تئاتر طی ۷ سال

پژمان جمشیدی با بازی در سریال «پژمان» که برای شبکه سه ساخته شده بود به عنوان یک بازیگر تازه کار معرفی شد. او آنقدر در این سریال موفق ظاهر شد که پیشنهاد پشت پیشنهاد برای او رسید و به مرور راهی تئاتر و فیلم های سینمایی شد. استمرار حضور پژمان جمشیدی در فیلم های سینمایی و البته تئاتر باعث شد تا او ثابت کند برخلاف بسیاری از فوتبالیست ها که حضور کوتاهی مقابل دوربین سینما و تلویزیون داشتند او قصد دارد با تلاش و استعدادی که دارد مسیر زندگی خود را تغییر دهد. بسیاری عقیده دارند پژمان جمشیدی بازیگر بسیار موفق تر از پژمان فوتبالیست است اما از این منظر هم می توان نگاه کرد که پژمان، فوتبالیست قابل و موفقی بود که در حوزه دیگری چون بازیگری بیشتر توانایی هایش دیده شد. او طی ۷ سال بیش از ۲۵ فیلم سینمایی و تلویزیونی و تئاتر بازی کرده و اتفاقاً یکی از بازیگران پولساز ایران لقب گرفته است. در سال ۹۷ و ۹۸ دو فیلم تگزاس و لونه زنبور با بازی او در میان پرفروش ترین فیلم های سال قرار گرفتند. تگزاس ۱۴/۴ میلیارد و لونه زنبور ۹ میلیارد تومان روی پرده فروش داشتند و دو فیلم با بازی جمشیدی به فروشی بالغ بر ۲۳/۵ میلیارد تومان رسید. در سال ۹۶ هم جمشیدی فیلم هایی در اکران داشت که در میان پرفروش ترین فیلم های سال قرار گرفتند. فیلم ۵۰ کیلو آلبالو با بازی او بیش از ۱۳/۵ میلیارد و خوب، بد، جلف اولین ساخته پیمان قاسم خانی به فروشی نزدیک به ۵/۱۶ میلیارد تومان دست پیدا کرد تا او با دو فیلم به مجموع ۳۰ میلیارد تومانی دست پیدا کند.

تکرار تاریخ؛ دومین بی انصافی در حق پژمان

جشنواره سی و ششم فیلم فجر؛ دقیقاً سه سال پیش در چنین روزی بود که دبیر جشنواره در جمع اصحاب رسانه نامزدهای بخش های مختلف را بر اساس نظر هیأت داوران اعلام کرد. در بخش بهترین بازیگر مکمل مرد، وقتی ابراهیم داروغه زاده، نام پژمان جمشیدی را برای نقش آفرینی در فیلم سینمایی «سوءتفاهم» به زبان آورد، عده ای از حاضران در سالن خندیدند و وقتی دوربین چهره ناراحت پژمان را از این واکنش ها را نشان داد مشخص بود که یک جای کار می لنگد. پژمان به عنوان یک بازیگر، نمایش قابل قبولی در فیلم سینمایی «سوءتفاهم» داشت اما به واسطه فوتبالیست بودنش مورد نقد جدی برخی سینمایی ها قرار گرفت که چرا یک «غریبه» را اینقدر بزرگ می کنید!؟ او اما آنقدر جنگید تا ثابت کند حضور موفق او در این فیلم سینمایی اتفاقی نبوده. هرچند نباید از این نکته غافل شد که پژمان جمشیدی فیلم های با کیفیت پایین هم بازی کرده که صرفاً برای فروش گیشه بوده اما برآیند حضور، او را تبدیل به یکی از بازیگران مؤثر دهه نود کرده است. در پایان اما برگردیم به پاسخ پژمان جمشیدی به سؤال عجیب خبرنگار که او را «بازیگری دانسته بود که برای دیده شدن بازی می کند». یاد مان نرفته که ابراهیم حاتمی کیا و هادی حجازی فر مقابل نقد برخی خبرنگارها در جشنواره های سال پیش چطور برآشفته شدند و پاسخ های تند همراه با عصبانیت دادند؛ پژمان اما سعی کرد بدون عصبانیت که انگار دیگر چیزی برایش مهم نیست به یک جمله بسنده کند: «دنیا اصلاً آنطور که شما تصور می کنید برای من دیگر ارزشی ندارد که بخواهم برای در چشم بودن دست به هر کاری بزنم...» پژمان غریبه ای بود که مقابل دوربین سال ها است می درخشد، او اخر دهه هفتاد تا اواسط دهه هشتاد مقابل دوربین و در زمین فوتبال؛ و حالا جلوی دوربین و در نقش یک بازیگر پولساز، مؤثر و موفق.

به بهانه مشاوره امید نوروزی در فدراسیون کشتی

حکم سکوت

ایران ورزشی - «امید نوروزی به عنوان مشاور رئیس فدراسیون کشتی منصوب شد.» علیرضا دبیر با این حکم، قهرمان المپیک ۲۰۱۲ را کنار خود آورد تا در ادامه مسیری که داشته، بتواند از توانمندی افراد مختلف استفاده کند. البته این چیزی است که در ظاهر دیده می شود اما انتخاب امید نوروزی به عنوان مشاور حتماً دلایل دیگری دارد. طی چند ماه اخیر، شاگرد محمد بنادر المپیک لندن، نقدهای تندی علیه سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی داشت و در مواردی حتی پا را از یک نقد فراتر گذاشت اما به این صحبت ها هیچ واکنشی نشان داده نشد تا اینکه حکم مشاوره صادر شد. حکمی که به نظر می رسد وسیله ای باشد برای کنترل امید نوروزی. البته رفاقت امید با حمید سوریان هم در صدور این حکم بی تأثیر نبوده اما حتماً بیشتر از اینکه استفاده از تجربیات این کشتی گیر، ملاک باشد؛ این مسأله مهم است که رئیس فدراسیون خواسته یکی از منتقدانش که خیلی بی منطق به مسائل ورود می کند را کنار خود داشته باشد. درست مثل همان شاگرد بازیگوشی که مبصر کلاس می شد. با توجه به این موضوع، در صدور حکم ایرادی وارد نیست اما از این زاویه که چطور امید نوروزی این حکم را قبول کرده، ابهام هایی وجود دارد. امید در یکی از مصاحبه هایش و در نقدی که به سرمربی سابقش داشت؛ تأکید کرد که از سوی فدراسیون به او مدیریت تیم های ملی، سرمربیگری جوانان و حتی بزرگسالان پیشنهاد شده و حالا سؤال این است که چطور با وجود این پست ها و موقعیت های خوب، او مشاوره رئیس فدراسیون را بپذیرفته است؟ آیا قبول این پست تشریفاتی غیر از این است که او از ابتدا برای حضور در فدراسیون آماده بوده اما پستی به او پیشنهاد نشده است؟ در حکم صادر شده هم عنوان نشده که دقیقاً نوروزی در چه اموری مشاور است که همین موضوع به وضوح نشان می دهد که تا چه حد این حضور نمادین است و قرار نیست امید به کشتی کمک کند. جذب چهره های کشتی حتماً اتفاق خوبی است اما مشروط بر اینکه برای حضور این افراد برنامه مشخصی وجود داشته باشد و بتوان بیشترین استفاده را از آنها برد.